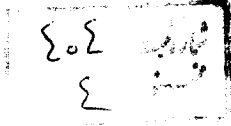
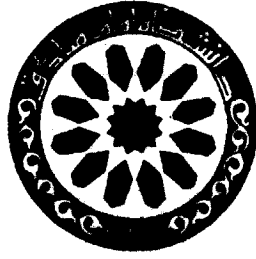


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۲۴ / ۱۰ / ۱۳۸۰

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی

رساله دوره دکتری علوم سیاسی (گرایش جامعه شناسی سیاسی)

015886

نقش ملی گرایی و اسلام در ایجاد هویت مشترک :

ملت سازی در دوره پهلوی و

جمهوری اسلامی ایران

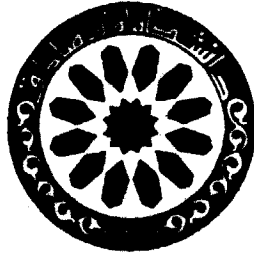
اصغر پرتوی

استاد راهنما :

دکتر حمید احمدی

زمستان ۱۳۷۹

۳۹۱۳۷



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی

رساله دوره دکتری علوم سیاسی (گرایش جامعه شناسی سیاسی)

**نقش ملی گرایی و اسلام در ایجاد هویت مشترک :
ملت سازی در دوره پهلوی و
جمهوری اسلامی ایران**

اصغر پرتوی

استاد راهنما :

دکتر حمید احمدی

اساتید مشاور :

دکتر کاووس سید امامی

آیت الله عباسعلی عمید زنجانی

زمستان ۱۳۷۹

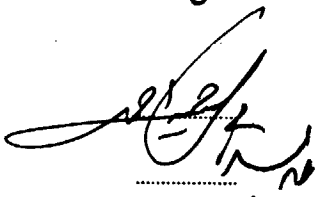


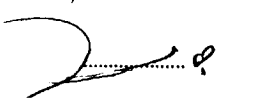
کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر ، نسخه برداری ،
ترجمه ، اقتباس و ... از این رساله دکتری برای دانشگاه
امام صادق (ع) محفوظ است . نقل مطالب با ذکر مأخذ
بلامانع است .

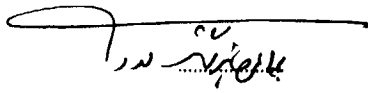
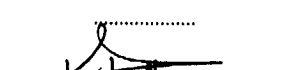
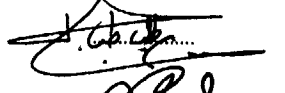
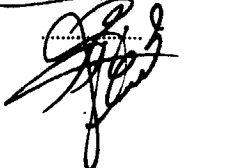
تائیدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی رساله آقای اصغر پرتوی، شماره دانشجویی ۷۲۵۰۰۱۸۳۳

تحت عنوان : نقش ملی گرایی و اسلام در ایجاد هویت مشترک : ملت سازی در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی ایران

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می کنند.

محل امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
	استادیار	دکتر حمید احمدی	۱- استاد راهنما :
	استاد	آیت الله عباسعلی عمید زنجانی	۲- استاد مشاور :
	استادیار	دکتر کاووس سید امامی	۳- استاد مشاور :
	استادیار	دکتر ناصر جمالزاده	۴- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده :
			۵- اساتید ناظر :

	استادیار	دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی	(۱)
	استادیار	دکتر محمد هادی سمعی	(۲)
	استادیار	دکتر محمدرضا طباطبایی	(۳)
	استادیار	دکتر محمد رضا دهشیری	(۴)

قدردانی

بدین وسیله از کلیه اساتید بزرگواری که در طول تحصیل ، خوشه چین علم و دانایی آنان بوده‌ام کمال امتنان را دارم . به ویژه از زحمات بی شائبه دکتر حمید احمدی استاد راهنما ، آیت الله عمید زنجانی و دکتر کاووس سیدامامی اساتید مشاور سپاسگزارم و مدیون بزرگواریهای ایشان هستم . قدردان داوری آقایان دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی ، دکتر محمد هادی سمتی ، دکتر محمدرضا دهشیری و دکتر محمد رضا طباطبایی می‌باشم و تلاش کلیه متولیان و دست‌اندرکاران دانشگاه و دانشکده محل تحصیلم را ارج می‌نهم .

اصغر پرتوی

تقدیم به :

همسرم که این اثر وامدار شکیبایی اوست .
به رضا و پردیس ؛ به امید آنکه نسل آنها از ضعف هویت رنج نبرد.
و به پدر و مادر که مربی و نخستین آموزگار بوده‌اند.

چکیده

ملت سازی و ایجاد هویت سیاسی مشترک از موضوعات حائز اهمیت در جامعه شناسی سیاسی و نظریات توسعه است که برای جوامع در حال توسعه و از جمله برای ایران قرن بیستم از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. حل بحران هویت و ایجاد حس ملی واحد، اولین گام در توسعه اجتماعی و سیاسی و حرکت در جهت حل بحرانهای مشروعیت و مشارکت محسوب می شود. از آنجا که جامعه حال حاضر ایران دچار چنین چالشهایی است، به دنبال پاسخ به این سوال اصلی می باشیم که: " هویت مشترک سیاسی و وفاق ملی ایران از مشروطیت به این سو چگونه شکل گرفته و چرا در برهه هایی از تاریخ معاصر دچار بحران شده است؟"

مفروض ما این است که هویت ایرانی از دوره ساسانی و با توسل به مؤلفه هایی از قبیل سرزمین و مفهوم فرشاهی و ایرانشهر، اقوام همخون ایرانی، زبان و دین مشترک توسط حاکمان ساسانی و به یاری مؤیدان زرتشتی پایه گذاری شد و تا دوره معاصر (نهضت مشروطیت) با فراز و نشیبهای بسیار و با تغییرات و جابجائیهایی در مؤلفه های متشکله آن، پیش آمد. پس از نهضت مشروطیت و به خصوص در دوره پهلوی تحت تأثیر شرایط خاص داخلی و بین المللی و در طی فرایند مدرنیزاسیون و سکولاریسم، " ملت سازی " با تکیه بر ناسیونالیسم متکی بر نژاد آریایی، زبان فارسی و تاریخ ایران باستان همراه با دین زدایی از جامعه، اولویت یافت. رسائتهای دوره پهلوی در سه محور شبه مدرنیسم، سکولاریسم و ناسیونالیسم خلاصه شد و بر این اساس پایه دینی هویت ایرانی متزلزل گشت و " ایرانیست " در مقابل " اسلامیت " قرار گرفت. یکسو نگری در تبیین هویت ملی ایران وفاق اجتماعی را بر هم زد و دین زدایی از جامعه سبب واکنش طرفداران هویت دینی شد که در نهایت به صورت انقلاب اسلامی ظهور یافت.

از سوی دیگر در دهه اول پس از انقلاب، تحت تأثیر ذهنیت شکل گرفته در دوره پهلوی و افراط گری های انقلابی، پایه " ایرانیست " جامعه تا حدی به سستی گرایید و منافع و افتخارات ملی (ایرانی) تحت الشعاع آرمانهای دینی قرار گرفت که این وضعیت نیز به دلیل یکسونگرانه بودن، وفاق اجتماعی را متزلزل ساخت. لکن از دهه دوم انقلاب به تدریج افراط گری های دین مدارانه رو به تعدیل نهاده و فرایندی شکل گرفته که در طی آن " ایرانیست " و " اسلامیت " به موازت هم مطرح می گردد و نوعی هویت ایرانی - اسلامی شکل می گیرد.

لذا علت اصلی پدیداری بحران هویت در سطوح مختلف زندگی جمعی و تزلزل وفاق اجتماعی و

ملی در برهه هایی از تاریخ معاصر ایران، اتخاذ راه حل های یکسونگر در تبیین هویت ملی بوده است.

واژه های کلیدی: بحران هویت، ایران، دوره پهلوی، جمهوری اسلامی ایران، تاریخ، انقلاب اسلامی،

ناسیونالیسم، هویت ملی، اسلام.

خلاصة الرسالة:

إن التأميم و إيجاد الذات السياسية المشتركة تُعدُّ من الموضوعات الحائزة الأهمية في علم الاجتماع السياسي و نظريات التنمية حيث أن لها أهمية خاصة و بالخاص للدول المتنامية و إيران هي من هذه الدول في القرن العشرين. إن تسوية أزمة الذات و إيجاد الحس الوطني الواحد تُعدُّ أول خطوة في مجال التنمية الاجتماعية و السياسية و السير من أجل تسوية أزمات المشروعية و المشاركة. بما أن المجتمع الإيراني يتعرَّض لهذه التحديات في الوقت الراهن، و نحن بصدد البحث عن إجابة لهذا السؤال الأساسي: "كيف نشأت الذات السياسية المشتركة و الوفاق الوطني الإيراني منذ عهد المشروعية و إلى الآن و لماذا أصيبت بأزمات خلال فترات زمنية من التاريخ المعاصر؟"

المفروض عندنا هو إن الذات الإيرانية من زمان الساسانيين و عبر اعتماد على مقومات الأرض، سيادة الملك، إقليم إيران، القوميات الإيرانية، اللغة و الدين المشترك، كل هذا تم تأسيسها بواسطة الحكام الساسانيين و بمساعدة الروحانيين الزردشت و قد استمرت بالمُضى قُدماً حتى عصرنا هذا (نهضة المشروطة) و قد شهدت تقلبات كثيرة و تطورات في مقوماتها. بعد نهضة المشروطة و خاصة في عهد البهلوي قد تأثر "التأميم" بظروف داخلية و دولية خاصة خلال عملية الحدائة و فصل الدين عن السياسة، كما أنها احتلت الأولوية عبر اعتماد القومية التي تركز على العنصرية الأريائية و اللغة الفارسية و تاريخ إيران القديم تصاحبت مع إزالة الدين عن المجتمع. و قد تلخصت رسالات العهد البهلوي في ثلاثة محاور و هي شبه الحدائة، و فصل الدين عن السياسة و القومية. و عليه فقد تزعت الأسس للذات الإيرانية و وضعت "الإيرانية" أمام "الإسلامية". كما أن النظرة الأحادية الجانب في إيضاح الذات الوطنية الإيرانية قد أدت إلى حدوث اضطراب في الوفاق الاجتماعي، من جهتها أسفرت إزالة الدين عن المجتمع، عن إبداء ردود فعل من قبل مؤيدي الذات الدينية، و التي تمثَّلت في نهاية المطاف. في صورة الثورة الإسلامية.

من جهة أخرى و خلال عقد الأول بعد الثورة فقد تأثرت ركيزة "الإيرانية" من الذهنية التي نشأت في عهد البهلوي و التشدد الثوري، الأمر الذي أدى إلى تهاوى هذه الركيزة كما جعل المصالح و المفاهيم الوطنية (الإيرانية) تخضع للطموح الدينية، الأمر الذي ساعد في زلزلة الوفاق الاجتماعي لما كان يحمله من نظرة أحادية الجانب. غير أنه و خلال العقد الثاني من الثورة، شهدت حالات التطرف التي تحيط بالدين، تعديلاً تدريجياً، كما نشأت على أثر ذلك مسيرة تمَّ خلالها طرح "الإيرانية" و "الإسلامية" و احدة جنب الأخرى، مما يساعد بالتالي في نشوء ذات إيرانية - إسلامية.

و عليه "فإن تبني حلول مُفعمة بالنظرة الأحادية الجانب في إيضاح الذات الوطنية، يعتبر السبب الرئيسي في حدوث أزمة الذات في المستويات المختلفة للحياة الاجتماعية و زعزعة الوفاق الاجتماعي و الوطني، في حقبات من التاريخ الإيراني المعاصر."

مفتاح المصطلحات:

أزمة الذات، القومية، عهد البهلوي، عهد الجمهورية الإسلامية، إيران، الإسلام، التأميم، الوفاق الاجتماعي، الذات الوطنية، التاريخ.

صفحه	عنوان
	مقدمه: طرح تحقیق
۱	۱- تعریف مسأله و بیان سؤالهای اصلی تحقیق
۸	۲- فرضیه‌های تحقیق
۹	۳- سابقه و ضرورت انجام تحقیق
۱۱	۴- اهداف تحقیق و کاربرد آن
۱۱	۵- قلمرو و روش انجام تحقیق
۱۲	۶- سازماندهی تحقیق
	فصل اول: مباحث نظری و مفهومی
۱۴	مبحث اول: "هویت" و "هویت سیاسی مشترک"
۱۴	الف) مبانی نظری
	۱- الف) بررسی مفاهیم "هویت" و "بحران هویت" در قالب نظریه تغییر
۱۴	درونی و همبستگی اجتماعی
۲۳	۲- الف) جایگاه مباحث "هویت" و "بحران هویت" در تئوریهای توسعه
۲۷	ب) "هویت" و "بحران هویت": تعبيرات و توصیفات
۳۱	مبحث دوم: تبیین ناسیونالیسم و مفاهیم وابسته به آن
۳۱	الف) ملت، ملت‌سازی و دولتهای ملی
۳۴	ب) ناسیونالیسم
۳۹	مبحث سوم: اسلام
۴۱	جمع‌بندی مطالب فصل اول

فصل سوم: ریشه و تجلیات بحران هویت در ایران قرن بیستم

۷۵	مبحث اول: عوامل و ریشه‌های بحران هویت در ایران قرن بیستم
۷۸	مبحث دوم: جلوه‌های بحران هویت در ایران قرن بیستم
۷۸	الف) تجلیات بحران در سطح نظام سیاسی
۸۱	ب) تجلیات بحران در سطوح اجتماعی و حزبی
۸۲	۱-ب) احزاب و گروه‌های مذهبی
۸۴	۲-ب) احزاب همسو با مرام و مسلک و ایدئولوژیهای بیگانه
۸۸	ج) تجلیات بحران در نهضت‌های اجتماعی و سیاسی (ذکر یک نمونه)
۹۰	د) تجلیات بحران در سطح اندیشه سیاسی
۹۵	جمع بندی مطالب فصل سوم

فصل چهارم: سلسله پهلوی دوره غلبه راه‌حلهای یکسونگرانه در بحران هویت؛
ملت‌سازی منطبق با الگوهای سکولاریستی غرب

۹۷	مبحث اول: ملت‌سازی دلمشغولی روشنفکران و سیاستمداران دوره پهلوی
۹۷	الف) زمینه تاریخی پیدایش فکر ملت‌سازی در ایران
۱۰۰	ب) بنیانهای فکری ملت‌سازی در ایران
۱۰۴	۱-ب) ایجاد دولت مقتدر مرکزی و هویت ملی واحد
۱۰۵	۲-ب) تکیه بر تاریخ پیش از اسلام برای ایجاد هویت ایرانی
۱۰۸	۳-ب) گرایش به نژاد پرستی و تکیه بر زبان فارسی و آموزش نوین
۱۰۹	۴-ب) آرمان جدائی دین از سیاست (سکولاریسم)
۱۱۱	۵-ب) اخذ بدون قید و شرط تمدن اروپایی
۱۱۲	خلاصه مبحث

مبحث دوم: اقدامات ملت‌سازی در دوره پهلوی؛ عینیت یافتن ناسیونالیسم

۱۱۵	تجدد خواه و شبه مدرنیسم در ایران
۱۱۵	الف) اقدامات شبه مدرنیستی در دوره پهلوی
۱۱۸	ب) سکولاریسم: زدودن مذهب از حیات سیاسی و اجتماعی ایران

- ج) ناسیونالیسم شاهنشاهی و باستان‌گرایی دوره پهلوی ۱۳۰
 خلاصه مبحث ۱۳۹

فصل پنجم: انقلاب اسلامی: تلاش برای احیای هویت دینی

- مبحث اول: واکنش طرفداران حفظ هویت مذهبی در مقابل گرایش‌های ناسیونالیستی، سکولاریستی و شبه مدرنیستی رژیم پهلوی؛ بستر تاریخی انقلاب اسلامی ۱۴۰
- مبحث دوم: تجلی توأمان ایرانیت و اسلامیت در اندیشه گران انقلاب اسلامی ۱۵۱
 الف) آیت‌الله مرتضی مطهری ۱۵۲
 ب) دکتر علی شریعتی ۱۵۸
 ج) آیت‌الله روح‌الله موسوی خمینی ۱۶۹
- مبحث سوم: انقلاب اسلامی برمسند قدرت: نظام جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای هویت اسلامی-ایرانی ۱۸۲
 الف) هویت اسلامی انقلاب ۱۸۲
 ب) واکنش انقلاب در مقابل سیاست‌های هویتی دوره پهلوی؛ موضع‌گیری در مقابل سکولاریسم، ناسیونالیسم و شبه مدرنیسم ۱۸۶
 ج) جمهوری اسلامی ایران: تلاش در جهت تحقق آرمان هویت ملی اسلامی-ایرانی و ترکیب ناسیونالیسم و اسلام ۱۹۱
 نتیجه‌گیری ۲۰۲
 فهرست منابع و مآخذ

فصل دوم: هویت ایرانی از آغاز تا دوره پهلوی: سیر تاریخی

- مبحث اول: ایران قبل از اسلام: هویت باستانی و اسطوره‌ای ایران ۴۳
- مبحث دوم: از ورود اسلام تا دوره صفویه: هویت ایرانی - اسلامی ۴۶
- مبحث سوم: از دوره صفویه تا دوره قاجاریه: هویت شیعی ۵۲
- مبحث چهارم: از سلسله قاجار تا سلسله پهلوی: تعارض هویت مذهبی و
 هویت سکولاریستی (دوره بحران هویت) ۵۷
- الف- قدرت مذهبی در ایران قرن نوزدهم (عصر مشروطه) ۵۹
- ۱- الف) قدرت مذهب تشیع و تجلیات آن در اجتماع و سیاست ایران ۵۹
- ۲- الف) علما و روحانیون عصر مشروطه: اندیشه‌ورزی علما جهت انطباق
 اصول دینی با مقتضیات جدید و مآلاً "حفظ هویت دینی جامعه" ۶۴
- ۱- شیخ‌های نجم‌آبادی ۶۴
- ۲- سید جمال‌الدین اسدآبادی ۶۵
- ۳- سید محمد طباطبایی ۶۵
- ۴- علمای ایرانی مقیم عراق و نقش آنها در انقلاب مشروطه ایران ۶۶
- ب) قدرت نوگرایی غربی در ایران عصر مشروطه ۶۸
- ۱- ب) غربگرایی و تجلی آن در اجتماع و سیاست ایران ۶۸
- ۲- ب) روشنفکران و اندیشه‌های غرب‌گرایانه در عصر مشروطه ۶۹
- ۱- میرزا فتحعلی آخوندزاده ۶۹
- ۲- محمدخان سینکی مجدالملک ۶۹
- ۳- یوسف خان مستشار الدوله تبریزی ۷۰
- ۴- میرزا ملکم خان ناظم الدوله ۷۰
- ۵- عبد الرحیم طالبوف ۷۱
- جمع بندی مطالب فصل دوم ۷۲

مقدمه: طرح تحقیق

۱- تعریف مسأله و بیان سؤالهای اصلی تحقیق

"ملت سازی" و "ایجاد هویت سیاسی مشترک" یکی از مباحث عمده سیاست و جامعه شناسی سیاسی است که در سده‌های اخیر فکر بسیاری از اندیشمندان را بنخود مشغول داشته است. نحوه تقسیم سیاسی بشر و تشکیل واحدهای مستقل سیاسی و معیارها و ملاکهای آن همیشه مورد بحث نویسندگان علوم اجتماعی بوده است. "ملت سازی" با مفهوم پیچیده هویت و هویت سیاسی مرتبط است.

بطور کلی "هویت" می‌تواند در دو سطح مطرح باشد: سطح فردی و سطح اجتماعی - سیاسی. آنچه در این نوشتار مدنظر است شخصیت و هویت سیاسی است. انسان هویت سیاسی خود را از طریق تعلق به گروه یا واحد سیاسی بدست می‌آورد و تا زمانی که این تعلق در مقابل تعلقات دیگر قرار نگرفته به آرامی تکوین می‌یابد. به این صورت آدمی برای معنی بخشیدن به زندگی گروهی (اجتماعی و سیاسی) خود، روابط خود با دیگران و محیط طبیعی را در یک چارچوب ارزشی تبیین می‌کند. دستیابی به هویت جمعی سبب پدیداری گروههای سیاسی نظیر ایلات و قبایل، دولت - شهرها، امپراتوریهای بزرگ و دولتهای ملی می‌شود. زمانی که تعلق به واحدهای سیاسی مذکور در مقابل فرهنگها، تمدنها و تعلقات دیگر قرار گرفته و به چالش طلبیده شود و عناصر اصلی این نظام ارزشی سست گردد، ممکن است نوعی دوگانگی و بیگانگی در هویت اجتماعی - سیاسی انسان بروز کند که در ادبیات سیاسی به آن "بحران هویت"^(۱) می‌گویند.

^۱ - مفهوم "بحران هویت" بطور مفصل در فصل اول همین نوشتار مورد بررسی قرار گرفته است.

از آنجا که در یک جامعه سنتی بسیاری از عناصر هویت بخش جنبه محلی دارند، برای انتقال به جامعه‌ای بزرگ به نام "ملت" عناصر هویت بخش اولیه باید دگرگون شوند. به همین خاطر یکی از عمده‌ترین مسائل جوامع در حال توسعه این است که چگونه علائق و منافع محلی پراکنده را در چارچوب ارزشهای عام‌گرایانه جدید که لازمه تأسیس "ملت" است همسو، هماهنگ و سازماندهی کنند. انتقال از تشکلهای محلی به یک "تشکل ملی" نیازمند ایجاد دگرگونی‌هایی در هویت فردی و گروهی است که به صورت "بحران هویت" ظهور می‌کند. عکس این روند نیز صادق است. یعنی ممکن است هویت‌های سیاسی کوچکتری از درون واحدهای سیاسی بزرگی که دارای اقوام متعددی هستند بوجود آیند که در این صورت این امکان وجود دارد که واحدهای سیاسی متعددی از تقسیم واحدهای سیاسی بزرگتر شکل گیرند.

مقوله "ملت سازی" و "هویت سیاسی مشترک" نخستین گام در جهت توسعه سیاسی محسوب می‌شود، چرا که "هویت ملی" تنها واحد سیاسی مقبول عصر حاضر است. نظام بین الملل حاضر از لحاظ تقسیم سیاسی نه بر اساس دولت - شهرهای یونان باستان استوار است و نه بر اساس امپراتوریهای بزرگ باستان، بلکه این نظام بر "دولتهای ملی" استوار گشته است^(۱). از این رو گروهها و جماعات اگر بخواهند در صحنه بین الملل به صورت واحد سیاسی، مشروعیت یابند و در جهت کسب منافع خویش به رقابت پردازند باید برای ایجاد "ملت" و تشکیل "دولت ملی" از طریق حل مسأله هویت اقدام کنند.

بنابراین بحث از "هویت سیاسی مشترک" در علم سیاست و نیز در مباحث توسعه بسیار گسترده و مهم است. بحث در این است که چگونه می‌توان از "مردم" یک "ملت" ساخت و بر اساس آن یک دولت ملی بنیان نهاد. وظیفه اصلی و اولیه دولتهایی که می‌خواهند به توسعه برسند و یک کشور واحد و یکپارچه بوجود آورده و آنرا حفظ کنند، وظیفه "ملت سازی" است. در گام اول این فرایند باید بتوان از "مردم" یک "ملت" ساخت که دارای مشترکاتی باشند در غیر این صورت فقدان هویت سیاسی مشترک، احساس تعلقات پراکنده، احساس تعلق به نمادها و سمبل‌های متعدد و غیره از موانع اصلی توسعه و ترقی یک واحد سیاسی به شمار خواهند رفت. با توجه به اینکه برای تشکیل یک ملت ملاک و معیار عینی و مشخص وجود ندارد، سیاستهای اعلامی و اعمالی دولتها در تحکیم وحدت ملی و یا تضعیف آن می‌تواند بی‌نهایت مؤثر باشد. تعلق به یک ملت نوعی احساس و تصور است. به همین خاطر برنامه‌های سیاسی و عمل و

^۱ - البته با توجه به فرایند جهانی شدن در عصر کنونی، برخی از صاحب‌نظران معتقدند که دولتهای ملی نیز